



تعلیم و تربیت از منظر سعدی

PROF. DR. FATEMEH MODERRESI*

ÖZET

ABSTRACT

Sa'di Shirazi ,the poet of seventh century, is one of the poets and eloquent speakers who pays attention to education and has educational and moral ideas posted in stories and fictions and allegories.

Since there are a lot of advices and percepts beyond his two mysterious books, Golestan and Boostan, this research tries to analys his educational vote with descriptive approach. Results show that childhood and teenagery ages are the most important years for improving educational steps. He believes, both genetic and environment affect the childs education. And he also mentions the individual variations as an effective parameters in education. This research clamied that the relation between science and action are important in education.

He recongnized its important to motivate childs to work and act and decline and blame laziness. He improves this approach to education by using advices and telling stories and also questions with answers. His most important aim is to educate people to be the righteous creation.

* Urmiye Üniversitesi Edebiyat Fakültesi Öğretim Üyesi, email: fatememodarresi@yahoo.com.

Key words: Sa'adi, education, individual variations, genetic and environment, science and action, advice.

چکیده

سعدی شیرازی، شاعرو متفکر بزرگ ایران در سده هفتم ایران، بیش از هر شاعر و سخنور خاور زمین، به تعلیم و تربیت اندیشیده و نظرات تربیتی و اخلاقی روشنی را در کسوت تمثیلهها و داستانها و حکایات بسیار رسا، شیوا و جذاب و روشن بیان داشته است. از آن جایی که در هر حکایت، داستان و گفتاری از گلستان و بوستان این دو اثر ماندگار پند و اندرزی نهفته است، این پژوهش بر آن است تا آرای تربیتی او را به روش تحلیلی توصیفی مورد بررسی و مذاقه قرار دهد تا الگوی تربیتی و اخلاقی را که این شاعر انسان گرا به روشنی در سروده هایش ترسیم نموده، نشان دهد. برآیند پژوهش نشان از آن دارد که سعدی کودکی و نوجوانی را از مهمترین مراحل تربیت میدانند. او براین باور است که هم توارث و هم محیط بر تربیت کودک تأثیری شگرف دارند. در عین حال اختلافات فردی را هم در تربیت پذیری کودک نادیده نمیگیرد. او در تربیت رابطه علم و عمل (کار و کوشش) را مهم میپندارد. از این رو اعتقاد دارد که در تربیت کودک و نوجوان این دو اصل مهم: ترغیب به کار و کوشش و مذمت تنپروری و کاهلی را باید مد نظر داشت. روشهای تعلیم و تربیت او مبتنی است بر بهره گیری از پند و اندرز، بیان تمثیل و توجه به پرسش و پاسخ. مهمترین هدف این اندیشمند بزرگ تعلیم و تربیت، پرورش انسان خوب یا عبد صالح میباشد.

کلیدواژه‌ها: سعدی، تعلیم و تربیت، اختلافات فردی، توارث و محیط، علم و عمل، پند.

مقدمه

تعلیم: پیاموختن، بیگاهانیدن، آموزانیدن، آگاه کردن، کسی را چیزی آموختن، تربیت، پروردن، پروراندن است. (دهخدا، ذیل تعلیم) گروهی از اندیشمندان بر این باورند که واژه تعلیم و تربیت، ترجمه کلمه (Education) است و مترجمان تصور نموده‌اند که دو واژه تعلیم و تربیت، هیچیک به تنهایی نمی‌توانند جایگزین این کلمه باشند. لذا، تعلیم و تربیت را با هم جایگزین فارسی آن نموده‌اند. با این تفاوت که (Education) می‌تواند به صورت فعل، قید و صفت بیاید، لیکن تعلیم و تربیت این ویژگی را ندارد. در روزگاران

پیشین، بزرگان و اندیشمندانی نظیر سعدی، خواجه نصیر و جامی... واژه «تربیت» را به کار برده اند که هم آموزش را در بر می‌گرفته و هم پرورش را (ابراهیم زاده، ۱۳۸۳: ۴۵) گرچه باید اذعان کرد که انسان را به دو بعد آموزشی و پرورشی تجزیه کردن، خطاست و تربیت یک فرایند واحد است. هر تعلیمی، مقداری تربیت و هر تربیتی تعلیم را در بر می‌گیرد. با این حال، تعلیم و تربیت، امروزه به عنوان یک اصطلاح، جا افتاده است. این پژوهش بر آن است تا تعلیم و تربیت را از نگاه سعدی، این شاعر اندیشمند سده هفتم مورد بررسی و تأمل قرار دهد.

سعدی، به گواهی آثارش، خاصه گلستان و بوستان، بیش از هر شاعر و سخنور خاور زمین، به تعلیم و تربیت اندیشیده و نظرات تربیتی و اخلاقی روشنی را در کسوت تمثیل‌ها و داستان‌ها و حکایات بسیار رسا، شیوا و جذاب و روشن بیان داشته است. به گونه‌ای که در هر حکایت، داستان و گفتاری از این دو اثر ماندگار، پندی و اندرزی نهفته است. سعدی همزمان با توماس آکویناس (۱۲۲۷-۱۲۷۴م) مسیحی زندگی می‌کرده، اگرچه افکار این کشیش مسیحی نسبت به روزگار خود بسیار مترقی بود و به عنوان مربی تعلیم و تربیت اشتهار یافته، اما سعدی را بسیار انسان‌گراتر و مترقی‌تر و آزاده‌تر از او می‌بینیم. شاید بتوان نام این شاعر پرآوازه ایران را در صدر صحیفه آزاد مردان جهان امروز و همه زمان‌ها قرار داد. همین چند بیت «بنی آدم اعضای یک دیگرند...» که حاکی از ارج نهادن به مقام و شأن «آدمیت» است برای اثبات صحت این مدعا بسنده است. وقتی آثار مربیان بزرگ تعلیم و تربیت را که جهانی شده‌اند، مورد تأمل و بررسی قرار می‌دهیم، جایگاه سعدی را به عنوان یک مربی تعلیم و تربیت اگر بالاتر از آنها نبینیم، پائین‌تر از آنها هم نمی‌بینیم. یک بررسی مقایسه‌ای این ادعا را ثابت می‌کند (عیسوی، ۱۳۸۶: ۱۲۰) در آغاز باید اذعان داشت که تأکید سعدی بر اهمیت تعلیم و تربیت تا آنجا است که مراکز آموزشی زمان خود را بر کانون‌های مذهبی «اهل طریق» که در آن زمان پرآوازه بوده‌اند، ترجیح و برتری می‌دهد:

صاحب‌دلی به مدرسه آمد ز خانقاه	بشکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود	تا اختیار کردی از آن این فریق را

گفت آن گلیم خویش به در می برد ز موج وین جهد می کند که بگیرد غریق را
(گلستان: ۱۰۴)

بی گمان سعدی از سر ذوق، یا برای اثبات شاعری خویش این اشعار را چنین دقیق و پرمعنا و ظریف بیان ننموده، بلکه به ارزش مدرسه و ژرفای اهمیت آن واقف بوده است. این نکته قابل تأمل است که هیچیک از مربیان بزرگ این سان جسورانه در آن زمان و حتی سده های بعد از آن هم یارا و جسارت اظهار این اندیشه را نداشته اند که مدرسه را از کانون های مذهبی پراهمیت تر بدانند. با این وصف تصور می رود که سخن سرایی نغز و پرمغز سعدی، دیدگاه تربیتی وی را با وجود اهمیت بسیار، تحت الشعاع خود قرار داده باشد که حق مطلب در مورد سعدی، آن بزرگوار ماندگار به عنوان مربی تربیتی به خوبی ادا نشده است. این نکته شایان عنایت است که سعدی آن اندازه تربیت را ارج می نهد که دو باب از گلستان و بوستان را به این مهم اختصاص می دهد. خود او معتقد است که تمام ده باب بوستان در باب تربیت است:

چو این کاخ دولت بپرداختم بر او ده در از تربیت ساختم
(بوستان، ۳۷)

آن بزرگ مرد فرزانه می گوید: سخن من در مورد تربیت این است:
سخن در اصلاح است و تدبیر و خوی نه در اسب و میدان و چوگان و گوی

(بوستان: ۲۸۷۴)

سعدی، تربیت را عبارت از مهار کردن نفس آماره می داند. می گوید: وقتی نفس آماره، یا به عبارتی دشمن ترین دشمن ها با شما هم خانه است، با آن باید پیکار کرد و با وجود این خصم درونی، نیازی به پیکار با دشمن بیگانه نیست. کسانی که نفس آماره را مهار می کنند و لجام به دهان این خوک می زنند، در مردانگی گوی سبقت را از رستم و سام می ربایند. شیخ بر این باور است:

چو سلطان عنایت کند با بدان کجا ماند آسایش بخردان
ترا شهوت و حرص و کین و حسد چو خون در رگاند و جان در بدن

(بوستان: ۲۸۸۱)

آنگاه که عقل بر وجود آدمی حاکم گردد، هوا و هوس جایی برای خودنمایی نخواهد داشت؛ براین پایه، مفهوم تربیت از منظر شیخ شیراز عبارت است از: مهار نمودن خوک نفس و تسلط عقل و خرد بر احساسات و هوی و هوس ناسنجیده دنیوی. از منظر سعدی به عنوان صاحب نظر در مسایل تعلیم و تربیت، نکات مهم تربیتی را می‌توان در مقولات زیر خلاصه کرد:

- تربیت مراحل دارد، محیط و وراثت بر تعلیم و تربیت تاثیر دارد، اختلافات فردی را در تعلیم و تربیت نباید نادیده گرفت، تجربه و عمل را در تعلیم و تربیت باید توأمان به کار گرفت. تعلیم و تربیت بر رفتارهای اجتماعی تأثیر دارد. سعدی با توجه به این مؤلفه‌ها روش‌هایی را برای نیل به اهداف تربیتی مطرح می‌سازد که در این پژوهش به اجمال به آن اشارت می‌شود.

مراحل تربیت

آن گونه که از آثار شیخ مشهود است، وی مراحل مختلف تربیت را به سه دوره کودکی، جوانی و پیری تقسیم می‌کند.

کودکی: شیخ شیراز مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین دوره آموزش و پرورش را، سال‌های نخستین رشد کودک می‌داند. کودک در این سنین تربیت‌پذیر است. اگر در این مرحله استادان در باب تربیت وی غفلت ورزند، در بزرگسالی به سختی تربیت او امکان‌پذیر می‌شود. می‌گوید: کودک در خردسالی چون چوبی تر است هر طور که خواهی می‌توانی آن را بیچی و تعلیم دهی، اما در بزرگسالی چون چوب خشک می‌گردد که جز به آتش راست نمی‌گردد.

هر که در خردیش ادب نکنند در بزرگی فلاح از او برخاست
چوب تر را چنان که خواهی پیچ نشود خشک جز به آتش راست

(گلستان: ۱۵۵)

لازم به یادآوری است که بخش عمده فراگیری فرهنگ، دانش و مهارت‌ها در پرتو تعلیم استادان و مربیان حاصل می‌شود. از سوی دیگر، سختی تربیت اولیه کودک، عزت و افتخار همه عمر را برای او به ارمغان می‌آورد. اگر کسی جفای روزگار و سختی تعلیم معلم را در خردی و جوانی تجربه نکرده باشد، در بزرگسالی صفا و شادی و زندگی توأم با

خردورزی نخواهد داشت. معلم هم در تربیت کودک باید تشویق و تنبیه را باهم درآمیزد. سعدی در رفتار با بزرگ‌ترها و مخصوصاً با دشمنان هم توأم بودن درشتی و نرمی را می‌پسندد و می‌گوید:

درشتی و نرمی به هم در به است چو رگ زن که جراح و مرهم نه است

(بوستان: ۱۲)

تا قرن هجدهم، عموماً حتی اندیشمندان فکر می‌کردند که تأدیب کودک جایز است تا به این وسیله شیطنت و گناه و پلیدی از نهاد او دور شود، ولی ظهور «امیل» کودک خیالی، ژان ژاک روسو نشان دهنده مخالفت روسو با تنبیه کودک است. سعدی گاهی تنبیه را ضروری می‌بیند؛ می‌گوید:

نوآموز را ذکر و تحسین و زه ز توبیخ و تهدید استاد به

(بوستان: ۳۱۶۰)

کودک باید از معلم یا مربی یا پدر و مادر ترس و هراسی در دل داشته باشد، اما ترسی که مبنایش بر احترام و دوست داشتن باشد، نه ترس از تنبیه و چوب و چماق که با دست یازیدن به چنین اعمالی، هراس از دل کودک رخت برمی‌بندد و سخن بزرگان را بی‌اهمیت تلقی خواهد کرد.

جوانی: از دید سعدی مرحله دیگر تربیت، دوره جوانی است. باب پنجم گلستان را به جوانی اختصاص می‌دهد که شامل بیست حکایت در وصف بهار زندگانی است. مرحله جوانی نیز، از نظر سعدی اهمیت ویژه‌ای دارد. این دوران پر از شور و عشق است، و جوان لبریز از احساسات. در کارها بیشتر تحت تأثیر احساس عمل می‌کند تا عقل. جوان از نظر سعدی پرغرور است و متکبر و جاهل در حکایت ۶ گلستان در باب ضعف می‌نویسد:

«وقتی به غرور جوانی بانگ بر مادر زدم، دل آزرده به کنجی نشست و گریان همی‌گفت

مگر خردی فراموش کردی که درشتی می‌کنی؟

چه خوش‌گفت زالی به فرزند خویش چو دیدش پلنگ افکن و پیل تن

گر از عهد خردیت یاد آمدی که بیچاره بودی در آغوش من

نکردی در این روز بر من جفا که تو شیرمردی و من پیرزن

(گلستان: ۱۵۲)

سعدی اعتقاد دارد جوان اگرچه دوران کودکی را پشت سر گذاشته، لیکن هنوز تجربه کافی برای زندگی اجتماعی کسب نکرده است. اگرچه قوی و زورمند است، اما فاقد تجربه جنگاوری است. در حکایت ۱۷ باب «در تأثیر تربیت» گلستان از جوانی صحبت می‌کند که در سفر بلخ بامیان با وی بوده است. جوانی زورمند، سپرباز و چرخ‌انداز و سلحشور که به اندازه ده مرد توانایی داشت، اما نازپرورده بود و کم تجربه و رعد کوس دلاوران به گوشش نرسیده. اتفاقاً حرامیان که دو نفر بودند، راه را بر آنها می‌گیرند. جوان بر خود می‌لرزد و خود را می‌بازد و سعدی می‌گوید:

نه هر که موی شکافد به تیر جوشن خای به روز حمله جنگاوران بدارد پای

(گلستان: ۱۶۱)

دوره پیری: از نظر سعدی دوره پیری را می‌توان به دو مقوله تقسیم نمود:

الف) پیری و خرد: از نظر سعدی عاقل و خردمند، دوره پیری دوره پختگی، آزمودگی و تعقل است، البته ضعف و سستی نیز در این سن بر انسان عارض می‌گردد. باب ششم از گلستان را در وصف این دوره نگاشته است. سعدی در «گفتار اندر تقویت مردان کارآزموده» از آزمودگی مردان جهان‌دیده و پا به سن گذاشته، سخن می‌گوید و این که از جوانان شمشیرزن، نباید ترسید که ناپخته‌اند و به جوانان توصیه می‌کند که:

به رأی جهان‌دیدگان کار کن که صید آزموده است گرگ کهن

نترس از جوانان شمشیرزن حذر کن زییران بسیار فن

خردمند باشد جهان‌دیده مرد که بسیار گرم آزموده ست و سرد

(بوستان: ۱۰۴۸)

حکایت ۴ از باب پنجم گلستان سعدی از پختگی و آزمودگی دوران پیری سخن

می‌گوید:

«روزی به غرور جوانی سخت رانده بودم و شبانگه به پای گریوه‌ای سست مانده، پیرمرد ضعیف از پس کاروان همی آمد و گفت: چه خسبی که نه جای خفتن است؟ گفتم چون روم که نه پای رفتن است؟ گفت: این نشنیدی که صاحب‌دلان گفته‌اند: رفتن و نشستن به که دویدن و گسستن

ای که مشتاق منزلی مشتاب پند من کار بند و صبر آموز
اسب تازی دو تک رود به شتاب و اشتر آهسته می‌رود شب و روز
(گلستان: ۱۵۲)

ب) پیری و سستی: سعدی در حکایت ۸ از باب ششم گلستان (در ضعف و پیری) می‌گوید: پیرمردی را گفتند چرا زن نکنی؟ گفت: با پیرزنانم عیش نباشد. گفتند جوانی بخواه چون مکنت داری، گفت: مرا که پیرم با پیرزنان الفت نیست، پس او را که جوان باشد با من که پیرم چه دوستی صورت بندد؟ (گلستان: ۱۵۳)

اثر توارث بر تربیت

یکی دیگر از مقوله‌های تربیتی که شیخ شیراز به آن عنایت دارد، اثر توارث بر تربیت است. او بر این اعتقاد است که یکی از عوامل مهمّ تربیت، توارث است و این مسئله را در کسوت زیباترین کلام و مؤثرترین سخن اظهار می‌دارد و استعداد ذاتی و فطری و گوهر انسانی را در تربیت مهمّ می‌داند و بر اهمیت آن صحنه می‌گذارد.

زمین شوره سنبل برنیارد در او تخم و عمل ضایع مگردان
نکویی با بدان کردن چنان است که بد کردن به جای نیکمردان
(گلستان: ۶۲)

به اعتقاد سعدی، اگر استعداد فطری نباشد، تربیت چندان مؤثر واقع نمی‌شود. در حکایت اول گلستان از باب هفتم در تأثیر تربیت، اثر وراثت و استعداد ذاتی را متذکّر می‌شود و می‌گوید باید زمینه و استعداد مناسب باشد تا تربیت صورت پذیرد، در غیر این صورت این مهمّ ممکن نگردد:

«یکی از وزرا را پسری کودن بود، پیش یکی از دانشمندان فرستاد که مر این را تربیتی می کن مگر عاقل شود. روزگاری تعلیم کردش و مؤثر نبود. پیش پدرش کس فرستاد که این عاقل نمی شود و مرا دیوانه کرد.»

چون بود اصل گوهری قابل تربیت را در او اثر باشد
هیچ صیقل نکو نداند کرد آهنی را که بد گهر باشد
سگ به دریای هفتگانه بشوی که چو تر شد پلیدتر باشد
خر عیسی گرش به مکه برند چون بیاید هنوز خر باشد
(گلستان: ۱۵۴)

سعدی اعتقاد ندارد که بعضی از انسان‌ها ذاتاً شریر آفریده می‌شوند و بعضی نجیب و اصیل. بیان بنی‌آدم اعضای یکدیگرند یا این نکته که سگ اصحاب کهف مردم می‌شود و گلی خوشبوی بوی گل می‌گیرد، نشان‌دهنده این شیوه تفکر است.

اثر محیط بر تربیت

شیخ مصلح‌الدین به موازات توارث و اثر آن بر تربیت، نقش محیط را نه تنها نادیده نمی‌گیرد، بلکه آن را بسیار مهم تلقی می‌کند. گفتنی است بیشتر مریبان تعلیم و تربیت دنیای اسلام و دنیای غرب حتی قرن‌ها بعد از شیخ نیز چندان توجهی به تأثیر محیط بر تربیت نداشتند. سعدی با بینش و بصیرت و آگاهی خود، محیط را یکی از عوامل مهم در تعلیم و تربیت جلوه می‌دهد. همچنان که امروزه نیز اغلب روان‌شناسان و علمای تعلیم و تربیت، محیط را از توارث پرارزش‌تر می‌دانند. این مسئله بعد از جیمز دوی واتسون (James Dewey Watson) - زاده ۶ آوریل ۱۹۲۸ میلادی در شیکاگو - زیست فیزیکی‌دان و متخصص علم ژنتیک آمریکایی و رفتارگرایان جلوه‌ی ویژه پیدا کرده است. نخست واتسون نقش غرایز را در رفتار پذیرفت و در کتابش به نام «رفتار، مقدمه‌ای بر روانشناسی تطبیقی» به وصف یازده غریزه پرداخت، از جمله غریزه‌ای که با رفتارهای تصادفی سروکار دارد. در سال ۱۹۲۵ میلادی، واتسون موضع خود را تغییر داد و مفهوم غریزه را رد کرد و استدلال نمود آن جنبه‌هایی از رفتار انسان که به نظر غریزی می‌رسند، در حقیقت پاسخ‌های شرطی‌شده اجتماعی هستند. با پذیرش این نظر که یادگیری کلید

فهم رشد رفتار آدمی است، واتسون به صورت یک رفتارگرایی افراطی درآمد. او از این هم فراتر رفت و نه تنها غرایز را در نظام خود رد کرد بلکه از پذیرش این که توانایی‌ها، خلق و خو یا هر نوع استعداد ارثی هم وجود دارد، امتناع نمود. وی معتقد بود که کودکان با توانایی ورزشکار یا موسیقی‌دان بزرگ به دنیا نمی‌آیند بلکه به وسیله والدین یا معلمان که رفتارهای مناسب را تشویق یا تقویت می‌کنند، به آن جهت هدایت می‌شوند. این تأکید واتسون بر تأثیر بیش از حد تربیت والدین و محیط اجتماعی، با این نتیجه‌گیری که هر کسی می‌تواند کودکان را برای هر چه که بخواهد تربیت کند، یکی از دلایل شهرت بی‌اندازه واتسون بود. (عیسوی، ۱۳۸۶: ۱۱۲)

سعدی آگاه خیلی پیشتر از واتسون معتقد بود که محیط غنی می‌تواند تأثیر بسزایی روی شخصیت و آینده انسان داشته باشد، لذا توصیه می‌کند که اگر می‌خواهید نامتان ماندگار باشد، به کودکان خود خردمندی، پرهیزگاری، بیاموزید و آنها را بر آموختن حرفه-ای ترغیب نمایید. حتی اگر ثروتی چون قارون هم داشته باشید، برای تأمین آینده فرزند خود بر دستگاه و مال و منال دنیوی تکیه نکنید، چه همه آنها فناپذیرند. در روزگار نامرادی کسی که حرفه‌ای بداند، دست نیاز پیش دیگران دراز نمی‌کند:

چو خواهی که نامت بماند بجای	پسر را خردمندی آموز و رای
... خردمند و پرهیزگارش برآر	گوش دوست داری به نازش مدار
به خردی درش زجر و تعلیم کن	به نیک و بدش وعده و بیم کن
مکن تکیه بر دستگاهی که هست	که باشد که نعمت نماند به وقت
به پایان رسد کیسه سیم و زر	نگردد تهی کیسه پیشه ور
چو بر پیشه‌ای باشدش دسترس	کجا دست حاجت برد پیش کس؟

(بوستان: ۳۱۶۶)

در حکایت هشتم گلستان می‌گوید: هر که با بدان نشیند نیکی نبیند:
گر نشیند فرشته‌ای با دیو وحشت آموزد و خیانت وریو
از بدان جز بدی نیاموزی نکند گرگ پوستین دوزی
(گلستان: ۷۷)

محیط نامناسب می‌تواند فرشته‌ای را به خیانت وادارد. امروز اثر محیط بر تربیت انسان روشن است. در قرن هفتم، بیان این مسائل، خلاقیت و تدبیری خاص می‌طلبد. این مطالب بیانگر آن است که سعدی از زمان خود بسیار مترقی‌تر بوده است.

برای خواننده این پرسش مطرح می‌گردد که سعدی محیط‌گراست یا معتقد به توارث است؟ آن زمان که با کلام سعدی همراه می‌شوی، در نگاه اول نوعی تناقض در افکار وی می‌بینی. اما واقعیت این است که سعدی وقتی از توارث و اهمیت آن می‌گوید، با حکایت و تمثیل‌ها چنان می‌نماید که فقط توارث مهم است، نه محیط و برعکس، وقتی از محیط صحبت می‌کند، نقش توارث را بسیار کم‌رنگ می‌کند. حال آن که او بر این باور است که توارث و محیط، هر دو در ساختار شخصیت آدمی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. امروزه چنانچه اشارت شد، کسانی هستند که به محیط، عنایت بیشتری دارند تا به توارث. بعضی‌ها هم به توارث توجه دارند و محیط را در تربیت انسان کم‌اثرتر جلوه می‌دهند. سعدی هر دو را در شکل دادن به شخصیت آدمی مؤثر می‌داند.

تأثیر اختلافات فردی در تربیت

سعدی به تفاوت‌های فردی توجه دارد و می‌داند که این تفاوت‌ها در یادگیری نقشی مهم دارند. او بر این باور است که هر یک از انسان‌ها توانایی‌ها و قابلیت‌های خاص خود را دارند. بنابراین، اگر از یک نوع آموزش برخوردار شوند، بازخورد این آموزش در بین آنها متفاوت خواهد بود. آن توانایی‌های ویژه در یادگیری اثرگذار است. سعدی در این باب پای نیفشرده، لیکن این مطلب را می‌دانسته و به اختلافات انسان‌ها در تعلیم و تربیت به نیکی واقف بوده؛ در باب هفتم بوستان، در حکایت درویش صاحب‌نظر و بقراط حکیم، می‌آورد:

... دو کس بر حدیثی گمارند گوش از این تا بدان، ز اهرمن تا سروش
یکی پند گیرد دگر ناپسند نپردازد از حرف‌گیری به پند

(بوستان: ۳۲)

سعدی بر این باور است که مجموعه توانایی‌های درونی فرد، سبب تفاوت در یادگیری می‌شود، هر چند که محیط و نوع آموزش هم یکسان باشد.

رابطه علم و عمل

امروزه مکتب عمل‌گرایی شاید یکی از موفق‌ترین مکاتب تعلیم و تربیت به شمار رود و اغلب کشورهای پیشرفته جهان نظیر آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی در آموزش و پرورش این ایدئولوژی را عملی ساخته‌اند. در بین معلمان تعلیم و تربیت، توأم بودن عمل و علم تئوری بسیار اهمیت پیدا کرده است. (عیسوی، ۱۳۸۶: ۱۵۰) سعدی در قرن هفتم، می‌گوید: «دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی‌فایده کردند: یکی آن که اندوخت و نخورد و دیگر آن که آموخت و نکرد.

علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی
نه محقق بود نه دانشمند چارپایی بر او کتابی چند
آن تهی مغز را چه علم و خبر که بر او هیزم است یا دفتر»

(گلستان: ۱۷۰)

عالم بی عمل را درخت بی ثمر یا زنبور بی‌عسل لقب داده، و سعی در آموختن علم بدون عمل را بیهوده دانسته است. این نکات نشان از گستردگی تدبیر و ژرفای اندیشه‌والای سعدی دارد که هفتصد سال پیش سخنی را بیان داشته که امروز نشانگر فکری پیشرفته و مترقی است؛ او بر توأمان بودن علم و عمل تأکید بسیار ورزیده است. او از یک سو افراد را به کار و کوشش تشویق و ترغیب می‌کند و از سوی دیگر، تنبلی و کاهلی را ملامت می‌نماید. توجه ویژه‌ای به حرفه و شغل و یا بهتر بگوییم حرفه و فن دارد.

۱. تشویق به کار و کوشش

در تعاریف کار گفته‌اند: «فعالیتی است نسبتاً دائمی که به تولید کالا و خدمات می‌انجامد و در ازای آن دستمزدی تعلق می‌گیرد.» (شفیع آبادی، ۱۳۵۹: ۵۳) سعدی، کلمه «کار» را در آثارش، بیشتر از هر کلمه و واژه دیگر یعنی بیش از دویست بار به کار برده است. این حاکی از آن است که سعدی به نقش مهم کار در زندگی انسان واقف بوده و خوشبختی یا بدبختی انسان را ثمره کار و کوشش دانسته است. آثار خود او نیز حاصل کار و تلاش اوست، لذا بیش از هر اندیشمند دیگری اشتغال ورزیدن به کار، شغل و حرفه

✽ تعلیم و تربیت از منظر سعدی

را مطرح ساخته است. حکایت «درویش با روباه» در بوستان مشهور است و توجه سعدی را به کار و کوشش نشان می‌دهد:

مپندار خود را چو روباه شل	برو شیر درنده باش ای دغل
چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟	چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر
نه بر فضله دیگران کوش کن	به چنگ آر و با دیگران نوش کن
که سعیت بود در ترازوی خویش	بخور تا توانی به بازوی خویش
مخنث خورد دسترنج کسان	چو مردان ببر رنج و راحت رسان

(بوستان: ۱۳۶۶)

سعدی همگان را به کار و عمل ترغیب می‌کند و می‌گوید هرکس باید از کودکی حرفه‌ای بیاموزد تا سربار دیگران حتی پدر و مادرش نگردد. چه گنج قارون هم تمامی می‌پذیرد و نعمت دنیوی هم باقی نمی‌ماند؛ بنابراین نباید تکیه بر دستگاه و مال این جهانی کرد، ولی حرفه و پیشه ماندگار است و می‌تواند وسیلهٔ امرار معاش فرد گردد. امروزه در تعلیم و تربیت کشورهای مختلف به داشتن تخصص حتی در کارهای ساده بسیار توجه می‌شود.

و گر دست داری چو قارون به گنج	بیاموز پرورده را دسترنج
که باشد که نعمت نماند به دست	مکن تکیه بر دستگاهی که هست
نگردد تهی کیسهٔ پیشه ور	به پایان رسد کیسه سیم و زر
کجا دست حاجت برد پیش کس	چو بر پیشه‌ای باشدش دسترس

(بوستان ۳۱۶۶)

۲. مذمت تن پروری

در حکایت «درویش با روباه» سعدی مردم را از سستی و کاهلی و تن‌پروری بر حذر می‌دارد:

برو شیر درنده باشای دغل مینداز خود را چو روباه شل
چو مردان ببر رنج و راحت رسان مخنث خورد دسترنج کسان
(بوستان: ۱۳۶۶)

سعدی بر عمری که بیهوده سپری شده باشد، افسوس می‌خورد و افراد را هشدار می‌دهد که مراقب باشند که عمر را به بطلالت نگذرانند. او مخالف سستی و کاهلی است. می‌گوید: «یک شب تأمل ایام گذشته می‌کردم و بر عمر تلف کرده تأسف می‌خوردم و سنگ سراچه دل را به الماس آب دیده می‌سفتم و این ابیات مناسب حال خود می‌گفتم:

هر دم از عمر می‌رود نفسی چون نگه می‌کنم نماند بسی
ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روزه دریابی
خجل آن کس که رفت و کار نساخت کوس رحلت زدند و بار نساخت»
(گلستان: ۵۲)

سعدی کسی را که تلاش و کوششی برای امرار معاش نمی‌کند، مستحق نفرین می‌داند. هشدار می‌دهد که عمر می‌گذرد، پس چه وقت انسان تهی دست رفته به بازار دار فنا به خود می‌آید و برگ عیشی به گور خویش می‌فرستد؟

برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، ز پیش فرست
عمر برف است و آفتاب تموز اندکی ماند و خواجه غره هنوز
ای تهی دست رفته در بازار ترسمت پر نیاوری دستار
(گلستان: ۵۲)

کسی که تنبلی و سستی پیشه خود سازد، وقت خرمن خوشه‌ای نخواهد چید. هر که مزروع خود بخورد به خوید وقت خرمنش خوشه باید چید
(گلستان: ۵۲)

تن‌پروری، بیکارگی را تقبیح می‌کند و مردم را به سعی و کوشش تشویق می‌نماید. البته معتقد است انسان در تلاش خود تنها به نیروی بازو، خلاقیت و ابتکار شخصی نمی‌تواند متکی باشد، اگرچه به هیچ عنوان منکر آنها نیست، لیکن می‌گوید در همه حال

باید به خداوند امید داشت و به او برای موفقیت توکل کرد، زیرا نهایت حق است که ید قدرت و توانایی می‌بخشد.

۳. حرفه و پیشه

سعدی بر آن است که افراد را باید از کودکی به کار و کوشش عادت داد و به آنان آموخت که از دسترنج خود اسباب معیشت خویش را فراهم آورند تا سر بار دیگران، حتی پدر و مادر توانگر نشوند. این اصل تربیتی که سعدی هفت قرن و نیم پیش مطرح کرده، امروزه یکی از اصول مهم آموزش و پرورش است. (تنکابنی: ۱۳۸۲ص ۷۶) یکی از مسائل آموختنی که در متن کار و کوشش است و باید از کودکی آغاز شود، حرفه و پیشه است. سعدی معتقد است که کیسه سیم و زر تمام می‌شود، لیکن پیشه و هنر تمامی ندارد. به پایان رسد کیسه سیم و زر نگردد تهی کیسه پیشه‌ور
چو بر پیشه‌ای باشدش دسترس کجا دست حاجت برد پیش کس
(بوستان: ۳۱۶۶)

سعدی در جای دیگر گلستان می‌گوید: کسانی که به دیار غربت می‌روند، به‌سختی و محنت گرفتار می‌آیند، مگر پیشه‌وری که پیشه‌ای آموخته باشد.
گر، به غریبی رود از شهر خویش سختی و محنت نبرد پینه‌دوز
ور به خرابی فتد از مملکت گرسنه خفتد ملک نیمروز
(گلستان: ۱۲۱)

سعدی حرفه و پیشه را یکی از عناصر مهم برای امرار معیشت و بقای زندگی می‌داند.

روش‌های مؤثر تعلیم و تربیت

سعدی آنچه را که آموخته بود، به روش‌های مختلف به شاگردان و مخاطبین خود انتقال می‌داد. روش‌هایی که او به کار می‌برد، عبارتند بودند از: پند و اندرز (موعظه)، تمثیل (داستان‌سرایی)، پرسش و پاسخ (مناظره).

۱- پند و اندرز

این حکیم خردمند اغلب ارزش‌های اجتماعی را به خوانندگان و شنوندگان خود به صورت پند و اندرز گوشزد کرده. در خور ذکر است که این نصایح را هم برای عامه مردم و هم برای شاهان و حاکمان بیان داشته است. سراسر گلستان و بوستان آکنده از نکات و وقایعی ظریف است که سعدی آنها را به صورت وعظ و پند و اندرز بیان داشته است. در حکایت ۱۰ از باب دوم گلستان آمده است:

«در جامع بعلبک وقتی کلمه‌ای چند به طریق وعظ می‌گفتم با قومی افسرده دل مرده و راه از صورت و معنی نبرده، دیدم که نفسم در نمی‌گیرد و آتشم در هیزم تر اثر نمی‌کند. دریغ آدمم تربیت ستوران و آینه داری در محلت کوران...» (گلستان: ۹۰)

۲- تمثیل

سعدی شیرین‌سخن، مقاصد و اهداف خود را که حاصل تجارب و آزموده‌های سال‌ها تعلیم و تعلم و مسافرت و معاشرت با طبقات مختلف است، به صورت تمثیل و داستان بیان کرده است. سعدی به‌خوبی واقف بوده که پند و اندرز غیرمستقیم و به صورت تمثیل و داستان اثر ویژه‌ای دارد. از این رو گلستان و بوستان را به زیور حکایت و داستان آراسته است. لحن مهربان و صمیمی سعدی در بیان همه داستان‌ها، از عدل و داد و بیداد گرفته تا عشق و جوانی جوانان، از اخلاق درویشان و پای صحبت آنان بودن تا عشق و شور مستی عرفا و... قابل تأمل است. او انسان بودن، صفا و یکرنگی و متخلّق به اخلاق الهی شدن را به خوانندگان خود یادآوری می‌کند. به راستی در هر داستانی از سعدی هدف و نتیجه‌ای پندآموز نهفته است. اگر چه حدود هفتصد سال از این داستان‌ها می‌گذرد، اما چنان عمیق و پرمعنا و زنده و پویا هستند که گویی برای عصر حاضر نوشته‌اند. سعدی حکیمانه داستان‌ها را به گونه‌ای به پایان می‌برد که همیشه برد و پیروزی با ارزش‌های متعالی و قهرمان‌های صاحب فضیلت است.

۳- پرسش و پاسخ

روش مناظره، جدل، دیالکتیک یا پرسش و پاسخ را به سقراط، فیلسوف یونانی نسبت می‌دهند. این شیوه که روشی برای کشف حقایق بوده، در بین علما و فضایی اسلامی نیز رواج داشته است. شیخ اجل نیز از این شیوه برای تعلیم آنچه که می‌خواست، بهره برده است. برای نمونه در اشعار ذیل:

دوش مرغی به صبح می‌نالید عقل و صبرم ببرد و طاقت وهوش
یکی از دوستان مخلص را مگر آواز من رسید به گوش
گفت: باور نداشتم که ترا بانگ مرغی کند چنین مدهوش
گفتم: این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح‌گوی و ما خاموش
(گلستان: ۹۷)

برنامه و محتوای تربیتی سعدی

سعدی محتوای تربیت یا به عبارتی برنامه آموزشی خود را بر دین‌باوری و علم‌آموزی بنا می‌نهد. البته علمی که در خدمت دین و ایمان قرار گیرد.

۱- دین‌باوری

یکی از مقوله‌های مهم محتوای تربیت، دین‌باوری است که سعدی سخت به آن پایبند است. او در مقدمه بوستان و دیباجه گلستان از قدرت لایزال خداوند سبحان سخن رانده و با نام و یاد او هر دو اثر را آغاز کرده و نام مبارک حق را زیب و زیور دو اثر جاویدان خود ساخته است. بوستان را با این بیت آغاز می‌کند:

به نام خدایی که جان آفرید سخن گفتن اندر زبان آفرید
(بوستان: ۱)

و گلستان را با «منت خدای را عز وجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت...» آغاز کرده است. (گلستان: ۹۷)

۲- علم باوری

یکی دیگر از مقوله‌های تربیتی از نظر شیخ شیراز، علم‌باوری است که به اختصار آن را بیان می‌داریم: اگرچه یکی از ناگوارترین پیامدهای حمله مغول به ایران، افول علم و علم‌باوری و انحطاط عقلی و فکری بود، لیکن سعدی از خاندانی با علم و تقوا برخاسته بود، خود او گوید:

همه قبیله من عالمان دین بودند مرا معلم عشق تو شاعری آموخت
(غزلیات: ۳۲)

او افزون بر محیط خانوادگی که آکنده از دین‌باوری و دانش‌اندوزی بود، خود فرزانه‌ای متبحر در علوم دینی و آشنا به اخلاقیات و عرفان و حکمت عملی و سیاست و صاحب‌نظر در مسائل اجتماعی بود. سعدی با واژه‌های مختلف، اهمیت علم و عالم را در آثارش یادآوری می‌کند. واژه‌هایی نظیر علم، دانش، عالم، دانشمند، فاضل، استاد، شاگرد، مدرس، معلم، تعلیم، درس، مکتب، آموزش، عقل، خرد، هوش، هوشمند، صاحب‌دل، فقیه و ... اندیشه‌های سعدی مبتنی بر عقل و خرد و به عبارت دیگر بر پایه علم‌باوری است و علم در اندیشه وی جایگاه ویژه دارد.

صاحب‌دلی به مدرسه آمد زخانقاه بشکست عهد صحبت اهل طریق را
گفتم: میان عالم و عابد چه فرق بود تا اختیار کردی از آن این طریق را
گفت: آن گلپه خویش به در می‌برد ز موج وین جهد می‌کند که بگیرد غریق را
(گلستان: ۱۰۴)

اگرچه مشتاقانه به اصحاب طریقت گرایش دارد، لیکن مدرسه را بر خانقاه ترجیح می‌دهد. چون عابد گلیم خویش به در می‌برد و عالم گلیم دیگران را. سعدی اساس و بنیان شخصیت انسان را خرد و علم قرار می‌دهد و این که خردمندان مایه ترقی جامعه‌اند. به اعتقاد شیخ ملاک برتری افراد برای اداره کشور، به عنوان مردان حکومت خرد و دانایی است و لذا برای واگذاری کارهای مهم به افراد:

به عقلش ببايد نخست آرمود به قدر هنر جایگاهش فزود
(بوستان: ۳۲۹)

اهداف تربیتی

سعدی، این متفکر فرزانه در گلستان از آنچه هست و واقعیت دارد، سخن می‌گوید. به این معنی که او نگرشی واقع‌گرایانه دارد، اما در بوستان آرمان‌گراست، یعنی آنچه را که باید باشد، بیان می‌دارد. آرمان از نظر سعدی، عبارت است از آرزوها و خواسته‌های درونی و آن چیزی که در نیت خود ایشان پرورش داده شود و کاستن افسوس، وسواس و رنج و اندوهی است که در درون وی وجود دارد. آرزوهایی که در صورت تحقق آنها، در مدینه فاضله به روی انسان‌ها گشوده می‌شود. سعدی در مکتب انسان‌ساز اسلام تربیت یافته است، لذا تعلیمات وی به عنوان معلم یا متعلم، تحت تأثیر این مکتب بوده است. هدف از تعلیم و تربیت، پرورش انسان خوب یا عبد صالح می‌باشد. عبد صالح شیخ هم برای دنیای مادی ارزش قایل است و هم برای دنیای معنوی و آرمان‌ها. او عاشق همه عالم اعم از مادی و معنوی است، چون هر دو عالم را عطیة الهی می‌داند.

خلاصه سخن آن که سعدی در پرورش عبد صالح، کودکی و نوجوانی را از مهم‌ترین مراحل تربیت می‌داند. او بر این باور است که هم توارث و هم محیط بر تربیت کودک تأثیری شگرف دارند. در عین حال اختلافات فردی را هم در تربیت‌پذیری کودک نادیده نمی‌گیرد. او در تربیت، رابطه علم و عمل (کار و کوشش) را مهم می‌پندارد. از این رو اعتقاد دارد که در تربیت کودک و نوجوان، این دو اصل مهم: ترغیب به کار و کوشش و مذمت تن‌پروری و کاهلی را باید مد نظر داشت. روش‌های تعلیم و تربیت او مبتنی است بر بهره‌گیری از پند و اندرز، بیان تمثیل و توجه به پرسش و پاسخ. همچنان که اشارت رفت، مهم‌ترین هدف این اندیشمند بزرگ تعلیم و تربیت، پرورش انسان خوب یا عبد صالح می‌باشد. انسان خوب یا عبد صالح دارای فضایی چون عدل، انسان دوستی، احسان و نیکویی به هم‌نوعان و... است و این ویژگی‌ها را در ابواب ده‌گانه بوستان ذکر نموده است.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۷۶) فلسفه تربیت. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نو
- تنکابنی و دیگران، حمید (۱۳۸۲) شناخت مفاهیم سازگار با توسعه در فرهنگ و ادب فارسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۴) لغت‌نامه. تهران: انتشارات دهخدا.
- سعدی شیرازی (۱۳۵۵) کلیات (گلستان سعدی)، به کوشش محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات جاویدان
- سعدی شیرازی (۱۳۷۳) گلستان به کوشش غلامحسین یوسفی. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشاراتی خوارزمی
- سعدی شیرازی (۱۳۷۲) بوستان سعدی. به کوشش غلامحسین یوسفی، تهران: شرکت سهامی و انتشارات خوارزمی.
- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۰) راهنمایی شغلی و تحصیلی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- عیسوی، محسن (۱۳۸۶) تعلیم و تربیت در آثار سعدی، پایان‌نامه دکتري، به راهنمایی دکتر محمدجعفر پاک‌سرشت، دانشگاه اهواز